

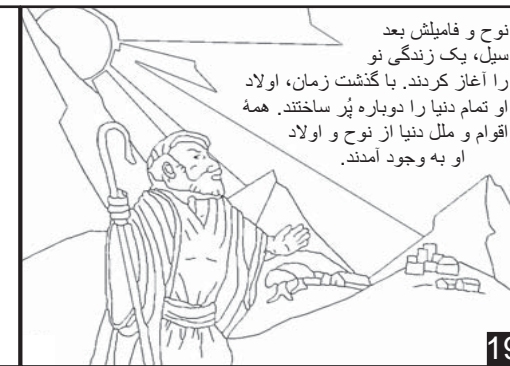


نوح و طوفان عظیم



نوح و طوفان عظیم
داستانی از کلام خدا، کتاب مقدس
درآمده است
کتاب پیدایش فصل 6-10

"کشف کلام تو نور می بخشد و ساده دلان را فهیم
می گرداند." مزمور 119:130



نوح و فامیلش بعد
سبل، یک زندگی نو
را آغاز کردند. با گذشت زمان، اولاد
او تمام دنیا را دوباره پر ساختند. همه
اقوام و ملل دنیا از نوح و اولاد
او به وجود آمدند.

19

ترجمه Christian Lingua
M. Maillot; Tammy S. اقتباس

نوشته Edward Hughes
Byron Unger; Lazarus رسامی

داستان 3 از 60

M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg MB R3C 2G1 Canada

جواز: تا زمانی که قصد فروش نداشته باشید، حق دارید این داستان
را به هر مقدار که می خواهید کاپی و چاپ کنید.



خدا به نوح گفت، "من این
دنیای شریر را نابود می
کنم و فقط تو و فامیلت
نجات پیدا می کنید."

2



نوح مردی بود که خدا را
پرستش میکرد. دیگران همگی
از خدا تنفر داشتند و از خدا
اطاعت نمی کردند. یک روز
خدا چیزی تکان دهنده گفت.

1

دری

Dari

خدا می داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم.
او نام این کارها را گناه مانده است. جزای گناه مرگ است.
خدا ما را بسیار دوست دارد. او پسرش، عیسی مسیح را
فرستاد تا بالای صلیب بمیرد و بتوان گناه ما را پرداخت نماید.
عیسی مسیح بعد از مرگ دوباره زنده شد و پس به آسمان
رفت! حالا خدا می تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می خواهی از گناهانت توبه کنی، این را به خدا بگو:
خدای عزیز، ایمان دارم که عیسی مسیح به خاطر من مُرد و دوباره زنده
شد و حالا زنده است. لطفاً به زندگی من بیا و گناهان مرا ببخش، تا من
بتوانم زندگی نو داشته باشم و یک روز برای همیشه با تو باشم. کمک
کن تا به حیث فرزندت، با تو زندگی کنم. آمین. یوحنا 16:3

انجیل را بخوان و هر روز با خدا گپ بزن!



خدا برای نوح خبر داد که یک سیل بزرگ میاید و تمام دنیا را می گیرد. خدا به نوح امر کرد، "یک کشتی چوبی بزرگ بساز تا خودت، فامیلت و حیوانات زیادی در آن جای شوند." خدا دقیقاً به نوح یاد داد که چطور کشتی را بسازد. نوح مصروف ساختن کشتی شد!

3



وقتی نوح به مردم توضیح می داد که چرا یک کشتی می سازد، احتمالاً مردم او را مسخره می کردند

اما نوح به ساختن کشتی ادامه می داد. او همچنان از خدا برای مردم قصه می کرد. اما هیچ کس گپ او را نمی شنید.

4



نوح ایمان قوی داشت. هر چند پیش از آن زمان، هیچ وقت باران نباریده بود، اما او به خدا باور داشت. به زودی کشتی برای بارگیری آماده می شد.

5



حالا حیوانات آمدند. خداوند از بعضی حیوانات هفت تا و از بعضی دیگر یک جفت به کشتی آورد. پرندگان بزرگ و کوچک و حیوانات لاغر و بلند به طرف کشتی به راه افتادند.

6



شاید زمانی که نوح کشتی را از حیوانات پُر می ساخت مردم فریاد می زدند و با جیغ و داد به نوح گپ های خراب می زدند.

7



آنها گناه کردن بر علیه خدا را بس نکردند. آنها تقاضا نکردند تا به کشتی داخل شوند.

8



بلاخره تمام حیوانات و پرندگان به کشتی داخل شدند. خدانوح را به داخل کشتی فرا خواند و گفت، "تو و فامیلت به کشتی داخلشویید." نوح، خاتمش، سه پسرش و خانم هایشان به کشتی داخل شدند. و بعد از آن، خدا در را بست!

9



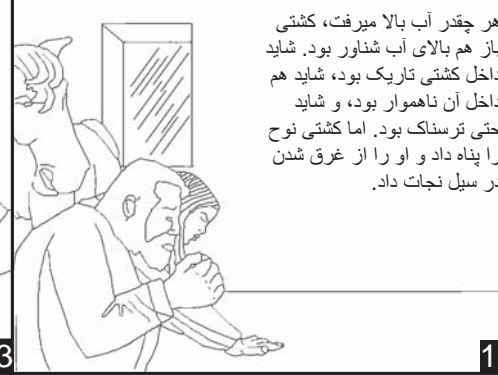
سپس بارش باران شروع شد. بارانی بزرگ که مدت چهل شبانه روز به شدت و بی وقفه می بارید و زمین را تر ساخت.

10



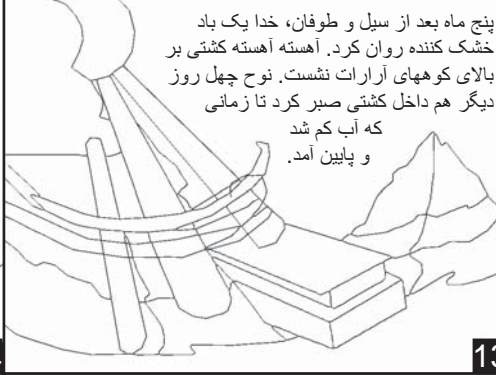
سیل شهرها و قریه ها را گرفت و پُر ساخت. زمانی که باران ایستاد شد حتی کوه ها در زیر آب پنهان شده بود. هر زنده جان که نفس میکشید هلاک گردید.

11



هر چقدر آب بالا میرفت، کشتی باز هم بالای آب شناور بود. شاید داخل کشتی تاریک بود، شاید داخل آن ناهموار بود، و شاید حتی ترسناک بود. اما کشتی نوح را پناه داد و او را از غرق شدن در سیل نجات داد.

12



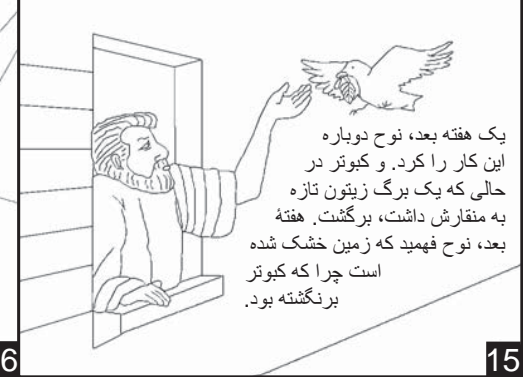
پنج ماه بعد از سیل و طوفان، خدا یک باد خشک کننده روان کرد. آهسته آهسته کشتی بر بالای کوههای آرارات نشست. نوح چهل روز دیگر هم داخل کشتی صبر کرد تا زمانی که آب کم شد و پایین آمد.

13



نوح از کلکین کشتی یک دانه زاغ و یک دانه کبوتر را بیرون فرستاد که بروند خشکه را پیدا کنند. کبوتر جای خشک و پاکی پیدا نکرد تا بنشیند و استراحت کند، به همین خاطر پیش نوح برگشت.

14



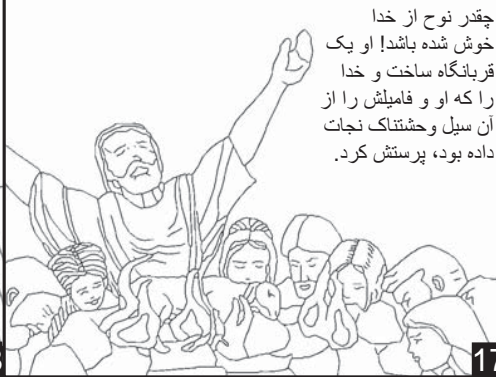
یک هفته بعد، نوح دوباره این کار را کرد. و کبوتر در حالی که یک برگ زیتون تازه به منقارش داشت، برگشت. هفته بعد، نوح فهمید که زمین خشک شده است چرا که کبوتر برنگشته بود.

15



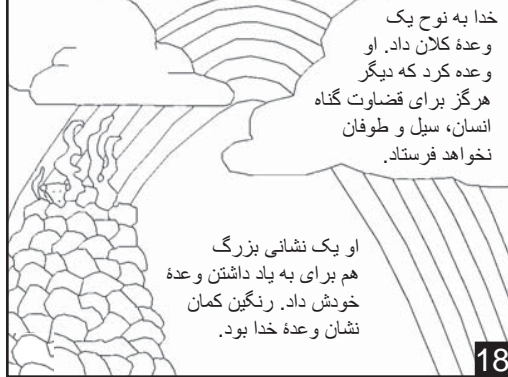
خدا به نوح گفت، بیرون رفتن از کشتی رسیده است. نوح و فامیلتش با همدیگر، حیوانات را از کشتی پایین کردند.

16



چقدر نوح از خدا خوش شده باشد! او یک قربانگاه ساخت و خدا را که او و فامیلتش را از آن سیل وحشتناک نجات داده بود، پرستش کرد.

17



خدا به نوح یک وعده کلان داد. او وعده کرد که دیگر هرگز برای قضاوت گناه انسان، سیل و طوفان نخواهد فرستاد.

او یک نشانی بزرگ هم برای یاد داشتن وعده خودش داد. رنگین کمان نشان وعده خدا بود.

18